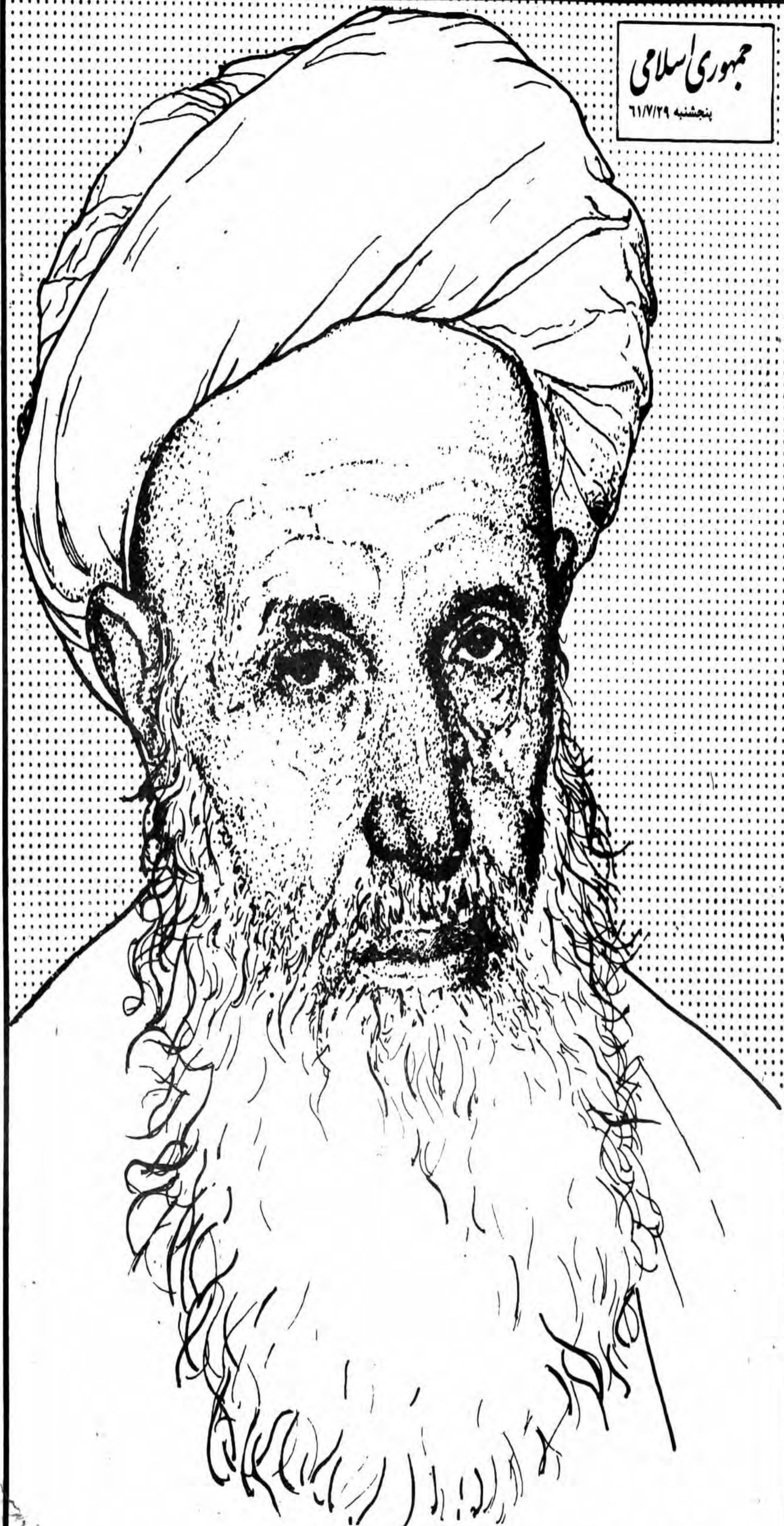


بمناسبت هفتمین روز شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی

جمهوری اسلامی

پنجشنبه ۶۱/۷/۲۹



«امام خمینی»

اواز مصادیق بارز «رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه» بود.

مصاحبه با حجت الاسلام زرنندی درباره خصوصیات شهید آیه الله اشرفی

اویار اسلام و مستضعفان بود و عاشق امام

مطلبی که از نظر آن حاصل مصاحبه میگذرد، حاصل مصاحبه با حجت الاسلام زرنندی است. این مصاحبه در مورد شخصیت و سوابق حجت الاسلام زرنندی است. این مصاحبه در مورد شخصیت و سوابق حجت الاسلام زرنندی است.

مطلبی که از نظر آن حاصل مصاحبه میگذرد، حاصل مصاحبه با حجت الاسلام زرنندی است. این مصاحبه در مورد شخصیت و سوابق حجت الاسلام زرنندی است.



هر چه هست در این محراب است

سما له الرحمن الرحیم ما و دشمن هر دو میدانستیم که آیه این انقلاب ما خون لاله‌ها این سرزمین جاودانه میشود.

از معر مطهریمان که خون جوانه رد ما و دشمن پنداشتیم که ایده انقلاب به مقبره نابودی سپرده شد عزا گرفتیم که زمین پس چه باید کرد یاری از امام رفته است و ساری از اندیشه انقلاب نگران شدیم که میادای بر صفحه ایدئولوژی انقلاب خدشه وارد آید.

ما و دشمن هر دو میدانستیم که آیه این انقلاب ما خون لاله‌ها این سرزمین جاودانه میشود.

ایثار، صداقت، تقوی، جهاد... هر کدام نه یک خون و یک جوان که خونها و جوانها می طلبیدند، تا جوانه زنده، رشد کردند، بارور شدند و حاکمیت یافتند.

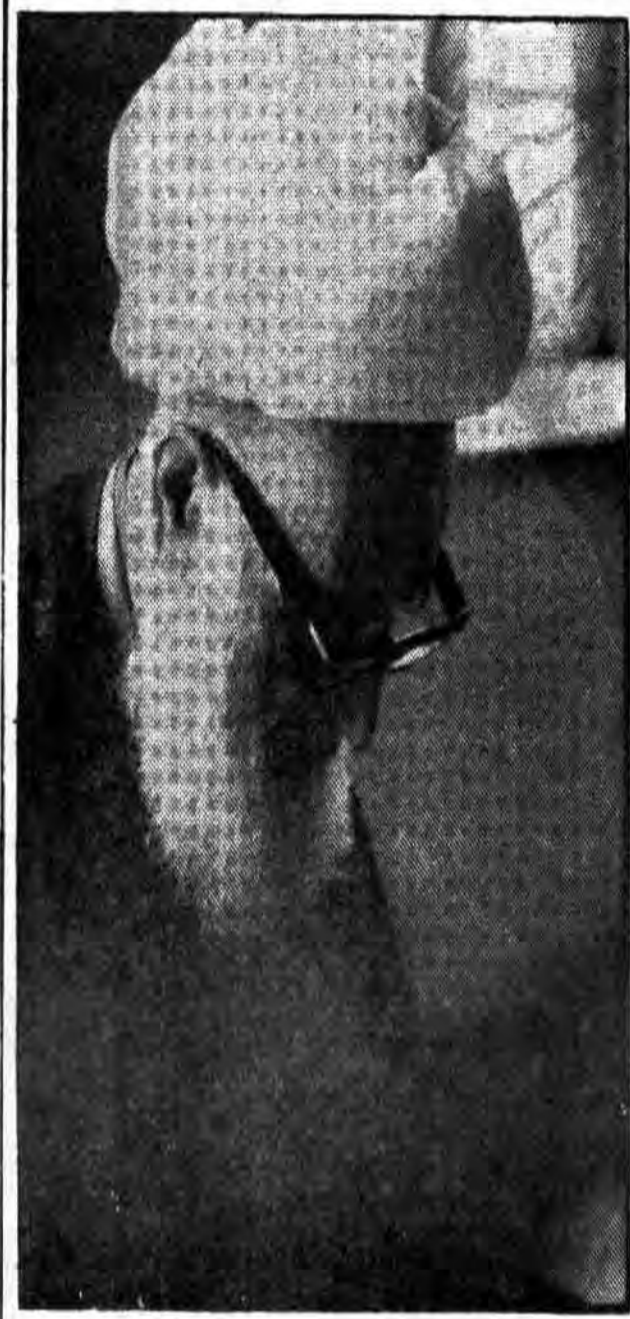
برای تثبیت ارزش جهاد چه خونها که بر خاک گرم نریخت و چه سرها که بر گردنهای نیاویخت برای اثبات حقانیت حزبالله چه سینها که در کوجه پس کوجههای شهر نخرشید برای تصویر آیههای شوق لقائاله چه حانها که از جسمهای خون آلود نگریخت.

چه جگرهای درخون تپیده که صداقت را معنی نکرد. اما عجیب بود و هست که از میان تمامی ارزشها محراب بود و نماز که خون بیشتر و رنگینتری می طلبید.

آیتالله مدنیمان که از محراب به معراج رفت گفتیم که این همان محرابی است که مولایمان علی از آن به دیدار خدا شتافت و نیز محراب و نماز هم پسرای جاودانگی خویش خون طلبیده است و با این برهان تسلی یافتیم هر چند غم، جگرسوز بسود و خانگداز.

دستبیمان که با عالم غیب پرواز کرد و ساز از محراب به ارزش محراب و نماز جمعه بخصوص واقفتر شدیم. و صدوقی نیز چنین تاکنون که و اشرف شهیدایمان به لقائاله پیوسته است از محراب و ما یعنی مردممان اگر چه در از دست دادن هر کدام از اینان سوختیم، آتش گرفته و خاکستر شدیم، اما دریافتهایم به روشنی که هر چه هست در این محراب است و آنچه که دشمن را رسوا کرده است و نیز شکسته است نماز جمعه.

فراق رحالی راه ساهن را و



با اینکه ۸۳ سال از عمر او میگذشت، عشق به جبهه‌های جنگ داشت و مشوقی برای سربازان اسلام بود.

شهید آیه الله اشرفی اخیراً موفق شدند حوزه‌های بنام رهبر کبیر انقلاب تأسیس کنند.

چهارمین شهید محراب زمانی دوره سطح راه پایان رساند که هنوز موفق نشده بود کتابی برای خود تهیه کند.

امکانات مالی او اجازه نمی داد که عائله خود را به قم بیاورد و مسکنی اجاره کند.

سالها با مظلومیت زیست، عاشق مظلوماً و قتل مظلوماً.

مدار و محور او رهبر کبیر انقلاب بود.

کسی که عاشق امام باشد، روشن است که نمی تواند بیرون از صحنه سیاست باشد.

ایشان صحفای بود که شاید چشم خود در تشییع حصاره چهارمین شهید محراب دیده اند انسانی که خود تا شهیدستی زندگی کند و به معانی برسد که امکانات مالی در اختیار او باشد. امکان ندارد که مگر مستضعفین و مستمدرین باشد معروف است که میگوید در دیده طریق است. گفتند هنگامیکه بعضی از روحانیون مسافر خدمت آیتا... شهید میرسیدند راجع به کرایه منزل سخن میگفتند ایشان اندامش لرزان میشد- چون خود مشکلات احاره شیشی را دیده بود.

هم بار مستضعفان بود هم بار اسلام بود و هم عاشق امام. نفرین ابدی بر جاینگارانی که انسانهای خدمتگزار به جهان اسلام و مستضعفین را با این وضع دلخراش از ملت رشید اسلام میگیرند. روحش شاد، خوشن پر خروش و پر خروش و موج. امیدوارم که حد و بد طول عمر به رهبر کبیر انقلاب عبادت کند. اللهم اجعل من عوانک و نصارتك و عجل فی فرج سولانا صاحب الزم والسلام

والمسلمین زرنندی یکی از علمای استان باختران است. در این گفتگو حجت الاسلام والمسلمین زرنندی مختصری از خصوصیات اخلاقی و علمی ایشان را بیان کرد.

سما له الرحمن الرحیم- اعود بالله من الشیطان الرجیم- العلماء باقون باقی الدهر

بعداد بیات امام عزیز رهبر کبیر انقلاب راجع به شهید بزرگوار عالم جلیل القدر، مریب والامقام که عمری را با عبرت در خدمت اسلام و قرآن گذرانید و با جرات میتوان گفت عاشق سعیداً و مات سعیداً جائی برای سخن گفتن اینجانب بعد از کلمات بزرگ مرجع جهان اسلام، بسینانگذار جمهوری اسلامی باقی نماند چون آنچه تصور میشود در کلمات امام بیان شده- برای اینکه امام عزیز فرمود ایشان با شهادت خود آخرین حجابهایی بین خود معشوق خود را دریده و الا تر از این عبارات و جامع تر از این عبارات، عبارت دیگری بنظر نمی رسد- اما برای اینکه اینجانب نیز فیضی برده باشم

مقامی است عالی برای انسانهای سالک الی الله: انسانی بود چند بعدی، هم عالم بود، هم مریب و هم باخلاص، آنگونه توجه و عبادتی به جبهه‌های جنگ داشت که مشوقی برای سربازان اسلام بود در میدان مبارزه با نفس نیز مجاهدی بود توانا، حرکت او خلاصه در محراب نبود با اینکه ۸۳ سال از عمر او میگذشت- عشق به جبهه‌های جنگ داشت- مگر برای تقویت روحیه سربازان اسلام به جوب و غربت تشریف بردند اخیراً موفق شدند سایه حورهای تشکیل دهند.

حوزه‌های بنام امام رهبر کبیر انقلاب تأسیس و جوانان را جذب و مشغول تعلیم و ارشاد نمودند. خاطره‌های فراوانی دارم اما چون موقعیت اینجا نمیکند ناچار هستم که کوتاه کنم. از خود آن شهید بزرگوار که چهارمین شهید محراب بود شنیدم که سطح را پایان رسانیده اما نتوانستم کتابی برای خود تهیه کنم- اما خاطره‌ای که دیدم شاید حدود بیست سال در قم در حجره زندگی کرد، خود در حجره به کارهای خویش

نگ ابدی بر آنانکه یک چنین شخص صالحی را که آزارش به موری نرسیده بود از ملت ما گرفتند.

از پیام امام خمینی بمناسبت شهادت آیه الله اشرفی اصلهانی

مصاحبه با فرزند ارشد آیت‌الله شهید اشرفی اصفهانی

آخرین کلام او «یا حسین» بود

در مراسم تشییع و تدفین پیکر مطهر آیت‌الله شهید اشرفی اصفهانی که در اصفهان برگزار شد، حیرت‌انگیز جمهوری اسلامی در اصفهان موفق به مسامحه‌های بسیار حجت‌الاسلام حاج حسین اشرفی اصفهانی، فرزند ارشد آیت‌الله اشرفی اصفهانی گردید که متن آن از نظر تان میگذرد.

بوشتام و حبلی هم برایش رحمت کشیدم را چاپ کنید. ایشان بیشتر آیات قرآن را حفظ بودند و در خطبه‌های نماز جمعه گاهی ایشان بیست تا سی آیه



*** شهید اشرفی اصفهانی بعد از شهادتشان در خواب یکی از بستگان آمدند و گفتند: تو در باره من فکر می‌کنی که تنها هستم؟ مرا وقتی در قبر گذاشتند، حضرت حسین (ع) به دیدنم آمد، من دیشب تنها نبودم.**

رمضان گذشته وقتی یک خبرنگار از ایشان سؤال کرد که شما مقام علمی‌تان در چه حدی

است، ایشان ناراحت شدند و فرمودند می‌شود این سؤال را از من نکنید؟ گفتند نه آقا شما باید جواب بدهید. ایشان فرمودند هر کسی تا بحال از من سؤال کرده من جواب او را ندادم اما با اصرار شما مجبورم بگویم ایشان فرمودند که من در حدود بیست سالگی بودم که احساس کردم

دیگر خودمان می‌توانیم مسائلی را درک کنیم و شاید نیازی به این نیست که بخواهم در مسائل به دیگری مراجعه کنم. از این بیان استفاده می‌شود که ایشان در حدود چهل سال در مقام و رتبه اجتهاد بودند و مجتهد مسلم بودند. ایشان اساتید بسیار بزرگی را دیده‌اند و در محضر اکثر بزرگان تلمذ کرده‌اند و مقام علمی بسیار بالایی داشتند. بعدی که اگر بخواهم نوشته‌جات ایشان را جمع کنیم متجاوز از هزاران صفحه خواهد بود و ما پادم هست تا دو سال قبل که هنوز چشمهای ایشان عارضه کسالت نداشت و سالم بود شبها گاهی تا ۲ بعد از نصف شب در کتابخانه مخصوص خودشان مشغول نوشتن بودند. گاهی یک دفترچه صدری که برای ایشان می‌خریدم تا دو روز تمام می‌شد و دو باره می‌خواستند. آثار بسیار خوبی از ایشان هست که اگر انشالله خدا توفیق بدهد آثار این پسر را زنده کنیم، بخصوص یک روز قبیل از شهادتشان به من واخوی توصیه کردند که یکی از کتابهایی که

می‌خوانند بدون آنکه یادداشت داشته باشند. ایشان به قرآن خیلی علاقمند بودند و تفسیری هم نوشته‌اند که چاپ نشده است و در نوع خودش بی‌نظیر است چون خودشان می‌گفتند زحمتهای تمام علمائی که تفسیر نوشته‌اند (اهل سنت یا جماعت و تشیع) را خلاصه کرده‌ام و بیشتر تفسیر هم در باره وجود امیرالمومنین (ع) است.

ایشان در مسائل فقهی و اصولی خیلی آمادگی داشتند و درباره این مسائل همیشه حضور ذهن داشتند و حتی در روزهای آخر نیز جلسه درسی داشتند که برای طلاب، مدرسی، علما و بزرگانی که بودند، تدریس فقه و اصول می‌کردند و علاقه زیادی داشتند به اینکار. با این وجود وقتی که از ایشان سؤال می‌شد که چرا رساله‌های نمی‌نویسید، ایشان می‌فرمودند که من خود را لایق به اینکار نمی‌دانم و نیز می‌گفتند که من تا زمان حضرت ایناله بروجردی به این احترام که ایشان استاد من بودند چیزی ننوشتم بعد هم که مسئله مرجعیت امام برای من مسلم بود و امام را بعنوان یک ولی فقیه و امر و مرجع بزرگ و بعنوان شخصیتی که مرجعیتش برای من متین است هرچه ایشان بگویند مورد اعتماد من است. من فکر نمی‌کنم کسی به اندازه ایشان در رابطه با مقام رهبری و ولایت امر امام آقدر صحبت و اصرار داشته باشد. اگر ایشان دوسال و نیم امام جمعه یا اختران بودند و از ایشان ۱۳۰ تا ۱۲۰ نوار مانده باشد، در اول هر کدام از

*** زمانی که در قم تحصیل می‌کردند بقدری تحت فشار مالی قرار داشتند که گاهی ۲ ماه می‌گذشت و ایشان نمیتوانست ۵ تومان برای خرجی خانواده به اصفهان بفرستد.**
*** کمتر بیاد دارم که ایشان شبها غذای گرم خورده باشند حتی شب شهادتشان نان و پنیر خوردند.**

بوارها بحث ولایت فقیه است هر کس پیش ایشان می‌آمد اول صحبت درباره ولایت فقیه بود و حتی یکساعت قبل از شهادتشان بیسی ساعت ۱۱ که آقای رستگاری در منزل بودند، ایشان فرمودند آنچه خداوند به انبیاء و ائمه و علمای برگزیده قبل از رهبر انقلاب دارد، همه را جمع کرده است در سیمای حضرت امام خمینی و بعد این شمرا خواندند:

«آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری» و اینچنین نسبت به امام اظهار ارادت داشتند. حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی مکرر فرموده بودند من شهید می‌شوم. گاهی که ناراضی و گرفتاری‌های روزانه به ایشان فشار می‌آورد، دستش را به آسمان بلند می‌کرد و می‌گفت: اگر مرگ است زودتر بیاید، اگر شهادت است زودتر

روسیاه و می‌نرم با دست خالی از دنیا بروم» هیچوقت ایشان متکی به اعمال خودش نبود و حال آنکه من در طول زندگی چهار و پنج ساله یاد ندارم که ایشان نماز شبشان ترک شود و زیارت عاشورای ایشان ترک نشد و می‌فرمودند که برای خاطر آنست که دم مرگ حسین (ع)

شهادت حسین، حسین حسین بود یکی از بستگان ما می‌گفت که خوابشانرا دیده بود در حالی که فکر می‌کرده ایشان تنهات و ایشان گفته بودند تو درباره من فکر می‌کنی که من تنها هستم؟ مرا وقتی در قبر گذاشتند حضرت حسین (ع) به دیدنم آمد و من دیشب تنها نبودم، دیشب امام حسین اینجا بود و به من صحبت کرد، خوشا به سادتش. لذا صبح که من قبل از آفتاب اول نفر بودم که رفتم کنار قبرش چنان بوی عطری به مشامم آمد که چنان بوی را تاکنون احساس نکرده بودم و فکر می‌کنم همان بوی اسام حسین (ع) بوده که شب اول قبر پهلوی ایشان بود.

از نظر ایمانش، از نظر بزرگواری اخلاق عجیبی داشتند، من یک نمونه را عرض می‌کنم، ایشان در منزل یا در اصفهان گاهی که تابستانها میامند قیابان را در میاورند ولی اگر یک کارگر بی بضاعت هم میهمان می‌آمد، ایشان قبا دوش می‌کرد، صاعقه سر می‌گذاشت. عیالشان را هم به دوش می‌گرفتند و مرتب می‌نخستند می‌گفتیم حاج آقا گرم است شما عبا دوش می‌کنید می‌فرمود نه انسان باید در مقابل بنده‌های خدا سودب باشد. این همیشه کلام زبان ایشان بود مودب باشید عرق می‌ریخت، گرمش بود. با دستمال عرق صورتش را پاک می‌کرد. باهایش درد می‌کرد در فشار بود اما برای یک لحظه پایش را دراز نکرد، اینقدر مودب بودند. ما که فرزند ایشان هستیم یک کلمه در تمام دوران عمرمان از ایشان که خدای ناکرده کلمه

- * شبها گاهی تا ۲ ساعت بعد از نیمه شب مشغول مطالعه و تالیف بودند.**
- * یک روز قبل از شهادتشان به ما توصیه کردند که کتابهایی را که نوشته‌ام چاپ کنید.**
- * ایشان بیشتر آیات قرآن را از حفظ بودند.**
- * یکساعت قبل از شهادتشان فرمودند: آنچه خداوند به انبیاء و ائمه و علمای بزرگ داده‌اند در سیمای امام خمینی هویداست.**
- * حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی مکرر فرموده بودند که من شهید می‌شوم.**

بفریادم برسد. انس عجیبی با امام حسین (ع) داشتند و حتی در خواب که ایشان از این پهلوی به آن پهلوی می‌شد یا حسین می‌گفت با آنکه اسم من حسین بود باز توصیه کرده بودند که من اسم فرزندم را هم حسین یا زهرا بگذارم. علاقه‌ی کثیری به امام حسین (ع) داشتند و شش دفعه به کربلا مشرف شدند، هر دفعه چهارماه می‌ماندند و آخرین کلمات ایشان هم در حال

باید که من از این زندگی راحت بشوم و ایشان در مقابل مصائب مردم خیلی حساس بودند وقتی شهادت افراد را می‌شنیدند و یا افراد معلول را می‌دیدند خیلی ناراحت می‌شدند وقتی به بیمارستان می‌رفتند سر مجروحان را در بغل می‌گرفتند و می‌گفتند: «عزیز من تو دین خودت را ادا کردی ولی من پیرمرد در این عمر برای اسلام چه کردم،



بقیه در صفحه ۸



*** آرزوی ایشان این بود که کتابهایشان در زمان حیاتشان چاپ شود که متأسفانه تاکنون موفق به چاپ نشده ایم.**
*** ایشان متجاوز از ۱۰ بار در روز، شخصاً به در خانه می رفتند و در را باز می کردند.**
*** شهادت مظلومانه این شهید، راه انقلاب اسلامی را هموارتر می کند.**
*** همیشه خودشان در کنار در اتاق می نشستند و با اصرار مهمانان را در بالای اتاق می نشاندند.**

*** شهید آیت الله اشرفی هر ماه ۲ بار به جبهه های غرب سرکشی می کردند.**
*** وقتی که ایشان به جبهه ها می رفتند مقید بودند که با یکایک رزمندگان دست بدهند و آنها را در آغوش بگیرند.**
*** روزی که امام از عراق به پاریس هجرت کردند، ساواک آیت الله اشرفی را دستگیر کرد و به تهران انتقال داد.**
*** خون همین شهید است که انقلاب اسلامی ما را تداوم می بخشد.**

مصاحبه با حجت الاسلام محمد اشرفی اصفهانی

خون شهدا، تداوم بخش انقلاب اسلامی است

مطلب زیر خلاصه ای از مصاحبه خبرنگار جمهوری اسلامی در اصفهان با حجت الاسلام محمد اشرفی اصفهانی فرزند آیت الله شهید اشرفی اصفهانی است. در این مصاحبه گوشه ای از خصوصیات علمی، اخلاقی ایشان بیان شده است:

س- لطفاً مقداری درباره شخصیت علمی چهارمین شهید محراب حضرت آیت الله اشرفی اصفهانی توضیح دهید؟

بسم الله الرحمن الرحیم
 - با سلام و درود بی پایان بر امام امت رهبر کبیر انقلاب و شهدای انقلاب و تمام رزمندگان جبهه های نبرد حق علیه باطل و سلام بر شهدای محراب، شهید آیه الله مدنی، شهید آیت الله دستغیب، شهید آیه الله صدوقی و چهارمین شهید محراب آیه الله اشرفی اصفهانی.

البته من کوچکتر از آن هستم که راجع به شخصیت علمی ایشان صحبت کنم. **پایه مقدمات علمی ایشان را از اوقات عظیم مستظری، گلپایگانی و مرعشی، بزرگان و اساتید حوزه علمیه قم سؤال کرد، اما آنچه که از من بر می آید این است که، ایشان دروس سطح را در نزد اساتید بزرگ اصفهان گذراندند و سپس رهسپار قم شدند و در محضر آیات عظام حاجری (موسس حوزه علمیه قم)، علماء ثلاث، آیه الله سید محمد تقی خوانساری، آیت الله صدر و آیت الله حجت تلمذ کردند و اکثر استفاده های علمی ایشان در محضر مرحوم آیه الله العظمی بروجردی بود که بیش از ۱۰ سال در درگاه ایشان شرف داشتند تا آنکه در قم تشریف داشتند تا زمانی که از سوی آیه الله بروجردی به باختران اعزام نشده بودند، به تدریس دروس فقه و اصول اشتغال داشتند.**

از ایشان تالیفاتی به جا مانده است ولی متأسفانه تا کنون موفق نشده ایم که این کتابها را به چاپ برسانیم

ایشان در زمینه های مختلف کتابهایی تالیف کرده اند از قبیل علوم قرآن که قبل از پیروزی انقلاب آماده شده بود و باکتویس آن را به من محول کردند که در جریان گرفتاری های دوران انقلاب متأسفانه موفق به چاپ آن نشده ایم، کتاب دیگری که ایشان نوشته اند و بیش از هزار صفحه است و مشتمل بر اصول عقاید، فضائل اهل بیت، اخلاقیات، تهذیب نفس و علوم مختلف اسلامی است. و آرزوی ایشان این بود که کتابهایشان در زمان حیاتشان چاپ شود و متأسفانه تا کنون چاپ نشده است.

و امیدواریم که انشاءالله در اسرع وقت با کمک فضلا و صاحب نظران تالیفات ایشان برای چاپ آماده شود و در اختیار عموم قرار گیرد.

- فرزند شهید آیت الله اشرفی اصفهانی در مورد اخلاق و تواضع ایشان گفت:
 ایشان به قدری متواضع بودند که حتی اگر کسی در خانه را می زد با وجود اینکه از لحاظ امنیتی درست نبود که ایشان خودشان در را باز

کنند اما شاید در روز متجاوز از ۱۰ بار شخصاً در را باز می کردند و به قدری از میهمانان خود مقید بود که همیشه خودشان کنار در اتاق می نشستند و با اصرار فراوان می نشاندند و آنچنان به میهمانان اظهار محبت می کرد که حتی کسی که ۵ دقیقه با ایشان کار داشت شیفته اخلاقتان می شود و موقع خروج اظهار می داشت که شرمندم و نمیتوانم بیش از این مزاحم بشوم والا ساعتی میمانم و از بیانات و حسن خلق ایشان استفاده می بردم. زمانی که به اصفهان می رفتند، تا ساعت ۱۲ نیمه شب برادران می آمدند و می نشستند و با اینکه ایشان از کثرت مراجعات خسته می شدند اما هرگز خستگی خود را اظهار نمی کردند و تا این حد ایشان مقید بود به حفظ و رعایت اصول اخلاقی.

شهید آیت الله اشرفی مدام در جبهه های نبرد حق علیه باطل حضور داشتند و شیفته خلوص رزمندگان بودند، در این رابطه فرزند ایشان توضیح داد: ایشان به جبهه بسیار

علاقه مند بودند مرتب به جبهه ها سرکشی می کردند و حتی یک روز قبل از شهادتشان که باالجمعه استان به خدمت امام مشرف شده بودند، امام فرمودند که: جناب آقای اشرفی با وجود این کبر سن مرتب به جبهه ها می روند و رزمندگان را شاد می کنند از وقتی که جنگ شروع شد ایشان سه مرتبه به جبهه جنوب سفر کردند و مساهی دوبار به جبهه های غرب سرکشی می کردند رزمندگان زمانی که ایشان را می دیدند، ایشان را در آغوش می گرفتند و خودشان هم مقید بودند که با یکایک رزمندگان دست بدهد و آنها را در آغوش بگیرد و بسوسد و علاقه مفرطی به رزمندگان جبهه ها داشتند و رزمندگان می گفتند که وقتی ما ایشان را می بینیم به یاد امام می افتیم و بوی امام را از ایشان می گیریم.

س- نقش ایشان را در استان باختران در قبل و بعد از انقلاب اسلامی مختصراً بیان کنید:
 - ایشان از زمان آیت الله بروجردی به عنوان نماینده ایشان در باختران بودند و مابعد امید مردم و روحانیت



و نسبت به اسلام وفا دارند و در باختران تاثیر عظیمی بر روی مردم داشت و عدای از هوش می رفتند، حتی موقعی که این حادثه اتفاق افتاد به لحاظ ازدحام و از فرط ناراحتی بدن ایشان تا یک ربع بر روی زمین افتاده بود و هجوم مردم و شدت ناراحتی و بغض مردم اجازه نمی داد که ایشان را به بیمارستان منتقل کنند.

و خون همین شهید است که انقلاب اسلامی ما را تداوم می بخشد و خون شهدا به خصوص شهدای محراب در تداوم و حاکمیت انقلاب تاثیر فراوان داشته است و شهادت مظلومانه این شهید راه انقلاب را هموارتر می کند.

جزئیات شهادت آیت الله اشرفی اصفهانی

س- شما که صحنه شهادت ایشان را شاهد بودید لطفاً بیان کنید که حادثه چگونه اتفاق افتاد:
 ایشان برای احترام به سخنران قبل از خطبه ها همیشه نیم ساعت قبل از وقت خطبه به محل نماز می آمدند و به سخنان، سخنران گوش می دادند و نردهای هم در جلوی صف مردم کشیده شده بود اما در وضعیتی نبود که موجب حفاظت بشود و چند بار هم ما تذکر داده بودیم اما متأسفانه توجهی نشد. ایشان در صف نماز نشسته بودند یک طرفشان استاندارد بود طرف دیگر من نشسته بودم مشغول صحبت با ایشان بودم و سخنران قبل از خطبه ها که سخنانش تمام شده بود و من به ایشان تعارف کردم که پهلوی حاج آقا بنشینند و در همین حال که حاج آقا به ایشان طیب الله می گفت، وعده های نیز از جای خود برخاسته بودند، ناگهان شخصی از پشت با سرعت خود را به طرف حاج آقا پرتاب کرد و ایشان را محکم گرفت و لحظاتی بعد با انفجار نارنجک آن خبیث، ایشان به شهادت رسیدند.

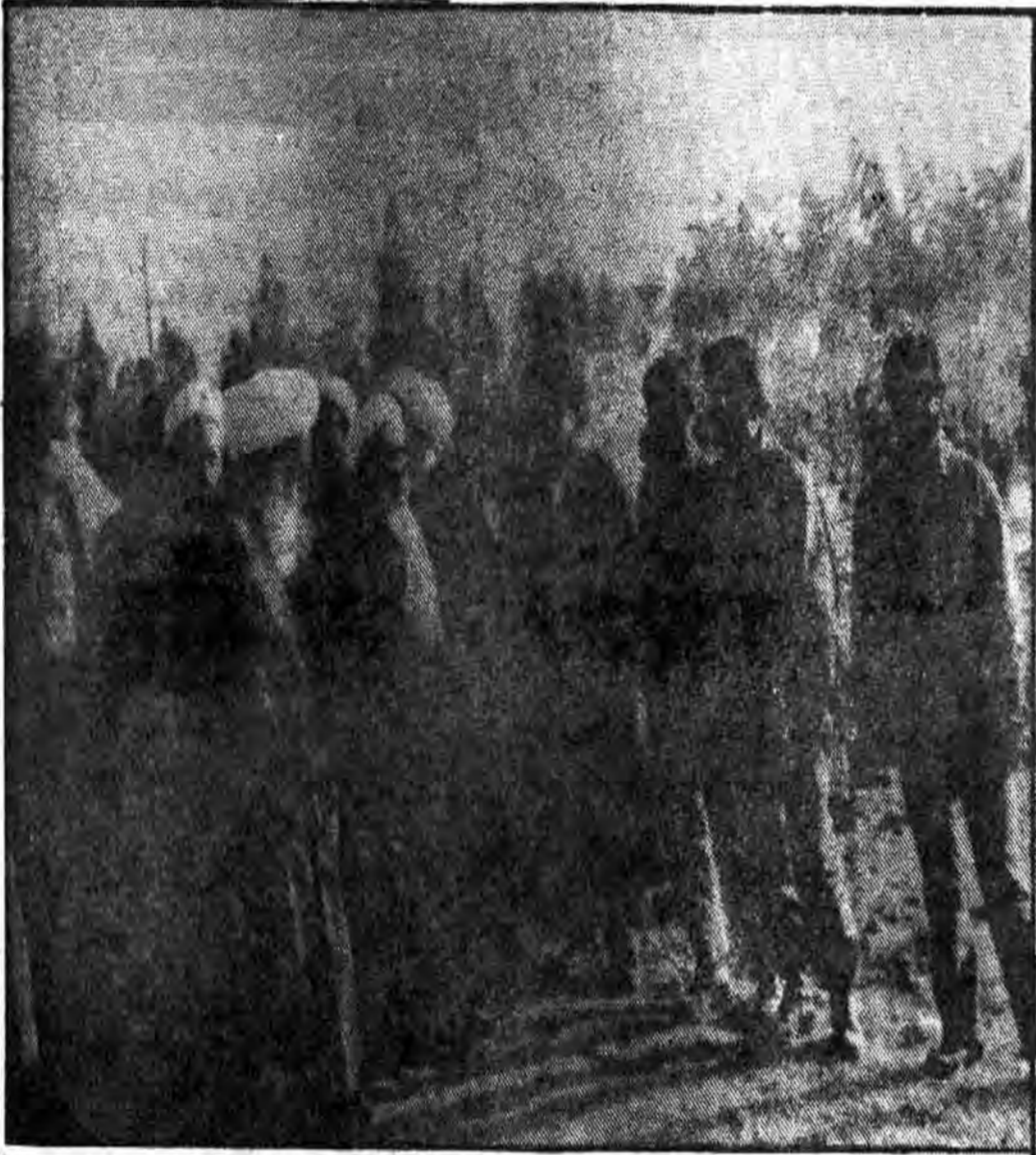
باختران بودند و همه دور وجود ایشان پروانهوار می گشتند و سنگر بزرگی برای اسلام در این منطقه بودند و انقلاب در باختران به وسیله ایشان آغاز شد و روزی که امام را از عراق اخراج کردند و امام به پاریس هجرت کردند، ساواک ایشان را دستگیر کرد و به تهران انتقال دادند و رئیس ساواک کرمانشاه گفته بود که اشرفی که اشرفی در اینجا هست این سرو صداها نمی خوابد و او شهر را برهم زده است و جز با دستگیری او موفق نمی شویم که شهر را آرام کنیم. و تمام راهپیمایی و تظاهرات قبل از انقلاب از مسجد آیت الله بروجردی آغاز می شد و ایشان امامت جماعت این مسجد را بر عهده داشتند و از زمانی که با شهادت حاج آقا مصطفی خمینی انقلاب اوج گرفت تا زمان پیروزی انقلاب ایشان رهبری مبارزات را به عهده داشتند به عنوان مثال در غائله کردستان ایشان نقش بزرگی در مقابل گروهکهای آمریکائی ایفا کردند و آنها که سعی داشتند با استفاده از زمینه های فرهنگی و بومی، باختران را نیز به آشوب بکشاند که با تلاش های



• اولین کلنگ ساختمانی مسجدالنبی طاق بستان توسط چهارمین شهید محراب بزمین زده می شود.



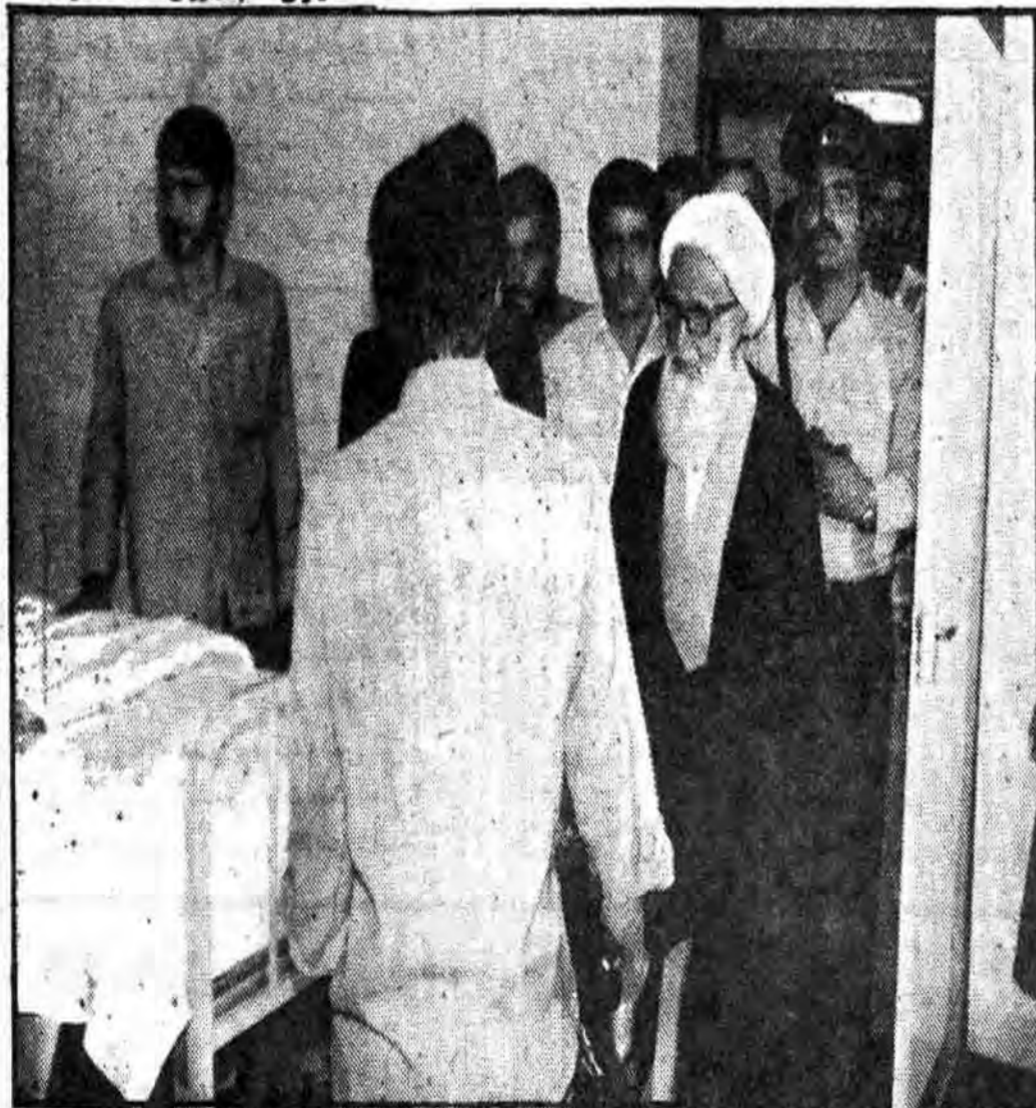
• ماه رو به خورشید، از جلوه های نور مستنیر می گردد



• یاران امام، یاوران همیشه در صحنه



• شیر محراب در دیدار از رزمندگان و جبهه های نبرد



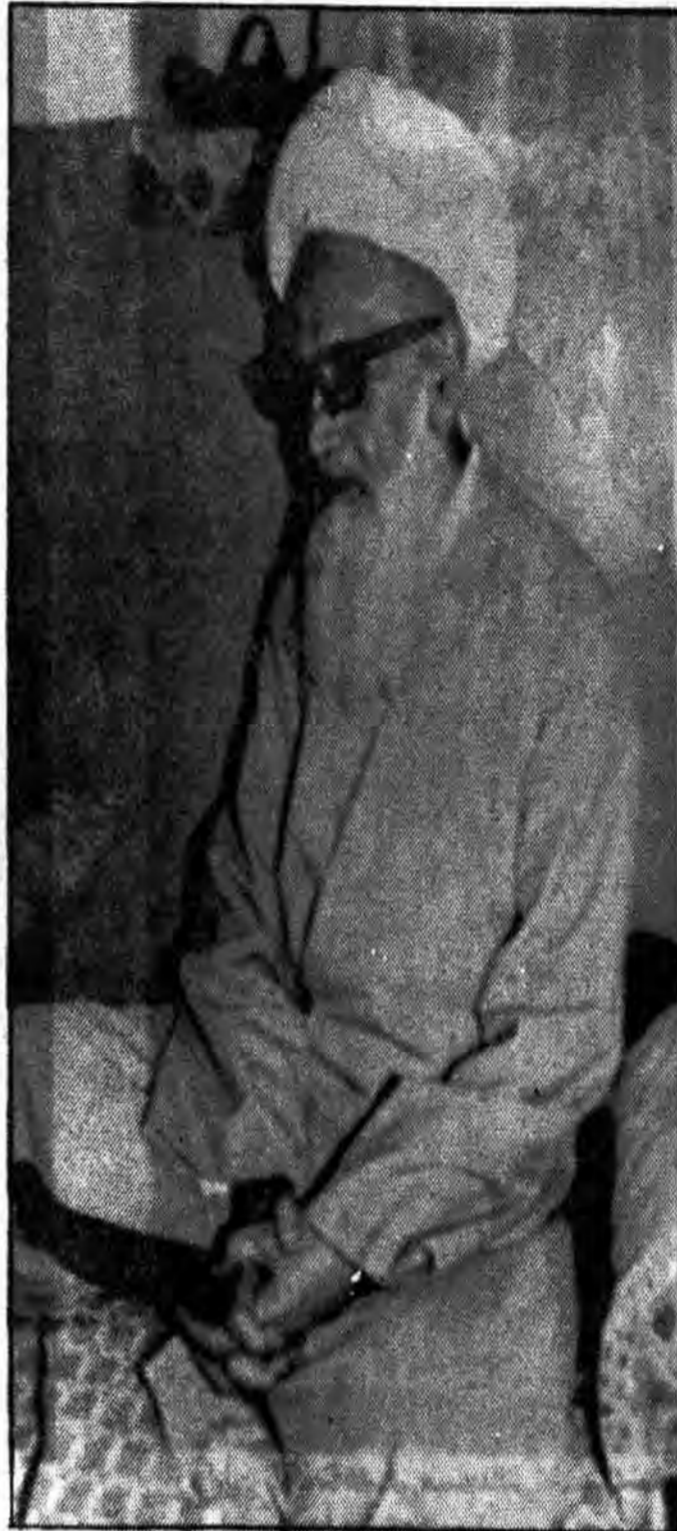
• شهید محراب در بازدید از مجروحان شهدای زنده انقلاب



• پاسدار همیشه بیدار اسلام

نظرات شهید آیة الله اشرفی اصفهانی پیرامون

«ولایت» در اسلام



- اولی الامر در مرتبه اول، ائمه معصومین هستند و در مرتبه بعد فقهای جامع الشرایط
- خداوند آنچه هست از خودش است ولیکن سلسله انبیاء و ائمه، ولایت را با افاضه خداوند کسب کرده اند و از خودشان چیزی ندارند.
- آن مقدار اختیاری که شخص نسبت به خود و اموالش دارد، خداوند میفرماید پیغمبر بر خود شخص اولی است و اختیار بیشتری از او دارد.
- اختلاف بین فقها در فروع و در اثر نحوه و کیفیت استنباط از اصول است.
- ولایت در زمان غیبت کبری بنا بر فرمایش ائمه معصومین بعهده فقهای جامع الشرایط است.
- رد حکم ولی فقیه، رد حکم پیامبر و ائمه معصومین است و در حد شرک به خداوند متعال است.
- علما امانتدار پیامبرانند و والاترین امانت ها قرآن است.
- امام در قرآن کسی است که حاکم بر مردم است.
- ولایت فقیه دامنه وسیع و شقوقی دارد و آن را به ولایت تشریحی، ولایت تکوینی و ولایت بمعنی اولی (تصرف در نفوس و اموال) تقسیم کرده اند.
- ولایت تشریحی را که اجازه قانونگذاری است خداوند در اختیار پیامبران و ائمه معصومین هم قرار داده است که میتوانند احکامی از حلال و حرام و آنچه که خداوند اضافه کنند.
- قرآن به اقامه صلوة امر کرده است اما کیفیت و کمیت آن به پیامبر اسلام (ص) احاله شده است.
- ولایت تکوینی این است که انبیاء و ائمه باذن و اجازه خداوند متعال می توانند در عالم کون و عالم طبیعت تصرف کنند.
- ولایت تکوینی ابستناداً مربوط به ذات اقدس خداوند است.

اختصاصی جمهوری اسلامی

تعریف و تشریح ولایت

بسم الله الرحمن الرحیم - ولایت فقیه و بطور کلی مسئله ولایت یک دامنه وسیع و شقوقی دارد و آن را تقسیم کردند به یک ولایت تشریحی و ولایت تکوینی و ولایت بمعنی اولی تصرف در نفوس و اموال و راجع به پیامبران الهی و ائمه معصومین (ع) دارای ولایت بود و ولایت تشریحی، اما ولایت تشریحی بمعنای اینکه همینطوریکه قانونگذار اول خداوند تبارک و تعالی است ولیکن خداوند این اختیار را به پیامبران و پیامبر عظیم الشان اسلام و ائمه معصومین هم داده اند اینها میتوانند احکامی را از حلال حرام، یعنی آنچه را که خداوند واجب کرده چیزی را به آن اضافه کنند یا چیزی را که خداوند حرام کرده چیزی را بر او اضافه کنند.

نمونه های از ولایت تشریحی پیامبر

مثلاً در باب نمازهای یومیه آنچه اول واجب بود که پیامبر اسلام در صراج این ارضان را برای امتش آورد هر نماز دور کعبه بود در قرآن اشاره به اینکه نمازها چند رکعت است شده فقط (اقبل الصلوة لعلوک الشمس الی غسق الیل و قرآن الفجر) بپادارید نماز را از ظهر تا نصف شب که ۴ نماز میشود و قرآن الفجر که نماز صبح است، اما راجع به کیفیت و کمیت آن قرآن آنها را به پیامبر اسلام احاله داده است وقتی که پیامبر اسلام به صراج مراجعت کردند نماز خواندند، برای هر نمازی ۲ رکعت واجب بود بعد خود پیغمبر ۲ رکعت در مدینه اضافه کردند ۱ رکعت به نماز مغرب و نماز ظهر و عصر و عشا را هم هر کدام ۲ رکعت، این را میگویند ولایت تشریحی و همینطور که خداوند شرع است و قانونگذار و بندگانش چیزهایی را فرض و واجب میکند یا حرام به اشخاصیکه قائم مقام پیغمبرند این اختیار را خداوند به آنها داده و یک نمونه اش همین بود که عرض کردم نمونه دیگرش در باب مسکرات است که در ۳ نوبت آیه نازل شده البته به اندازه ای با مدت

که بین آن بوده است پیغمبر اکرم و آنها یک مقام پیغمبرند اینها میتوانند نسبت به واجبات و محرمات، چیزی را کم و زیاد کنند.

● ولایت تکوینی

قسم دوم ولایت تکوینی است و ولایت تکوینی این است که انبیاء و ائمه با اذن و اجازه خداوند متعال میتوانند در عالم کون و عالم طبیعت تصرف بکنند. این ولایت اولی مربوط به خداوند عالم است و با اذن خداوند عالم سلسله انبیاء و ائمه میتوانند تصرف در این عالم بکنند.

نمونه های از ولایت تکوینی حضرت ابراهیم

مثلاً راجع به حضرت ابراهیم در قرآن میخوانیم که از خداوند سؤال کرد خدایا به رای العین به من بنما که چگونه مرده ها را زنده میکنی سؤال شد از ابراهیم به اینکه اولاً مگر ایمان و عقیده نداری که ما در قیامت مرده ها را زنده میکنیم گفت چرا و لاکن میخواهم بحشم خود کیفیت آنرا ببینم، دستور آمد به اینکه ۴ پرنده را بگیر اینها را سر بر و بدن های آنها را مخلوط بکن آنها را بر قلعه ۱۰ کوه بگذار و سر آنها را بگیر و صدا بزنی و در قرآن است که همین وقت بود که صدایشان میزد این قطعات گوشتها به هم متصل میشود بعد وصل به سر آن پرنده شد و زنده شد اینرا ما در باره خداوند عالم میخوانیم که بحیی و بحیث و این یکی از چیزهاییست که تصرف مسئله ولایت تکوینی است و اولی مربوط به ذات اقدس خداوند عالم است و سلسله انبیاء و ائمه هم با اجازه خدا اینکارها را میکنند نه بدون اجازه خدا این است که راجع به حضرت عیسی میفرماید زمانیکه تو مرده ها را زنده میکنی اما به اذن من، تفاوت بین انبیاء و ائمه با خداوند عالم، این است که خداوند آنچه که هست از خودش است و از کسی کسب نکرده ولیکن سلسله انبیاء و ائمه از خدا کسب کرده اند و به افاضه خداوند

عالم و به اجازه خدا از خودشان چیزی ندارند هر چه هست از طرف خداوند عالم است این را میگویند ولایت تکوینی و راجع به این قسم از ولایت که تصرف در موجودات باشد نمونه زیاد داریم.

نمونه های از ولایت تکوینی پیامبر اکرم

پیغمبر اکرم که شق القمر یکی است و مسئله رد شمس و دیگر اینکه قریش آمدند و از حضرت خواستند به اینکه اگر درخت خرما جلوی حضرت بیاید ما ایمان میآوریم و قضایا خیلی زیاد است راجع به خود ائمه معصومین هم که دارای این ولایت بودند اولاً تشریحی آن این آیه شریفه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم، اطیعوا... معلوم است که اطاعت خداوند عالم چنانکه خداوند بوسیله پیغمبر نازل کرد اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم بعد از آن بعد از شرح خواهیم داد.

● ولایت فقهای جامع الشرایط

به اینکه اولی الامر در مرتبه اول، خود ائمه معصومین هستند و در مرتبه بعد فقهای جامع الشرایط پس این ولایت تشریحی اولی مربوط است به ذات اقدس خداوند عالم و این ولایت را هم به انبیاء و ائمه افاضه کرده و دلیل آن همین آیه شریفه است و راجع به ولایت تکوینی هم قضایائی از خود پیغمبر اکرم راجع به ائمه نقل شده و قضیه راجع به دونش شیرازی را که در اثبات الهداء کتاب چند جلدی که توسط آقای جنینی، عضو شورای نگهبان ترجمه شده و این کتاب دارای ۳ بخش است یکی نصوصی است که راجع به خود پیغمبر و ائمه است و نبوت پیغمبر اکرم و امامت ائمه و بخش دیگرش راجع به معجزات آنهاست و آنجا این معجزه را نسبت به ۳ امام میدهند یکی حضرت موسی ابن جعفر و حضرت رضا و حضرت هادی در کتب فقه مثل کتاب مرحوم انصاری هم اشاره به این مطلب کرده معلوم میشود مطلب مسلم بوده است حالا راجع یکی از این ۳ نفر امام بوده است و راجع به هر سه نفر بوده این مسلم بوده است.

● معجزات پیامبران جزو ولایت تکوینی است

به این معجزه که موقی امام مورد سخریه واقع شده است حضرت اشاره کردند به آن دو نقش شیر مجسم شدند و به امر الهی آمدند و آن مرد ساحر را از بین بردند و برگشتند بحالت اول مثل عصای موسی که آنهمه وسایل سحری را که تهیه کرده بودند که قرآن اشاره میکند تمام آنها را عصا بلع کرد و برگشت بحالت اولش، این را میگویند ولایت تکوینی.

● ولایت بمعنی داولی

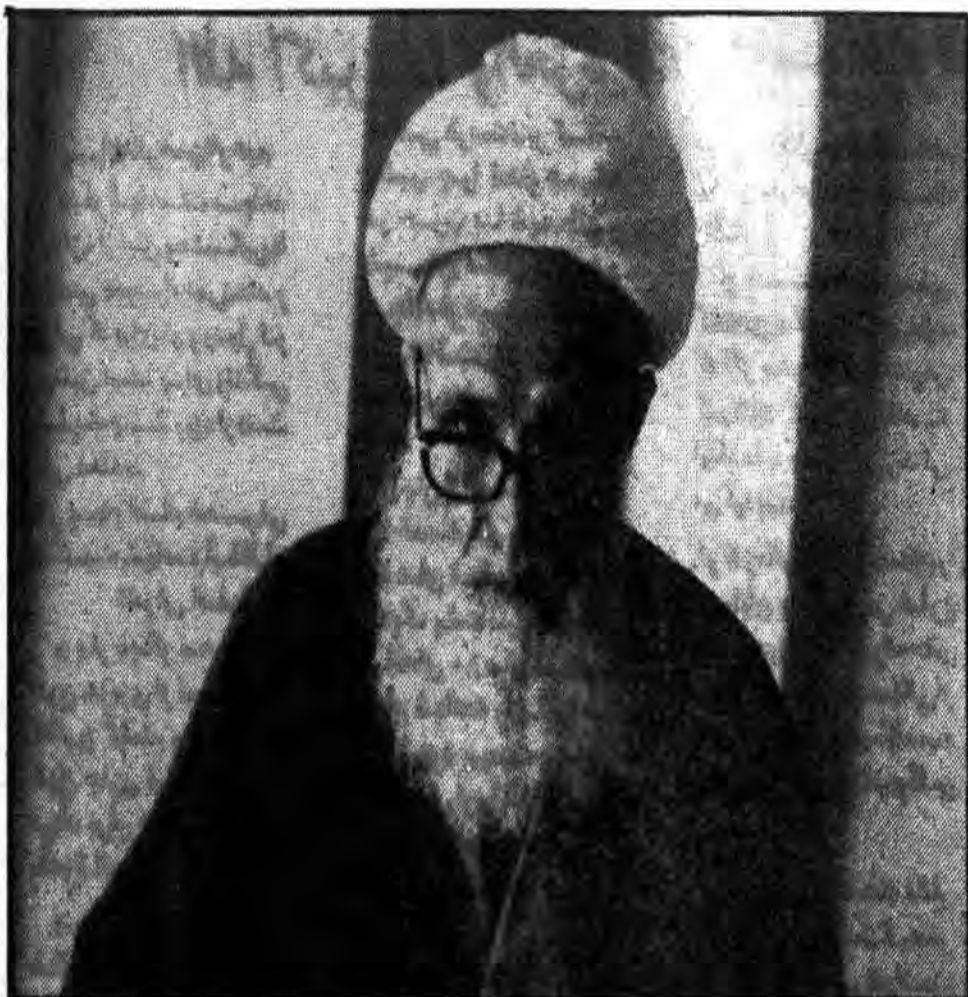
اما ولایت تصرف در اموال و نفوس مردم این اولاً مربوط میشود به خداوند عالم و در مرتبه دوم خود پیغمبر اکرم الی اولی المؤمنین من انفسهم آن مسافدار احتیاری را که خود مشخص نیست بخودش و اموالش دارد خداوند میفرماید پیغمبر آن پیغمبر بر خود شخص اولی است و اختیار بیشتری از او دارد نسبت به نفوس و اموال و این ولایت را پیغمبر اکرم به امیر المؤمنین و ائمه بعدی ما در غدیر خم در بین مردم در مقابل جمعیت زیادی اول سؤال کرد از مردم (الست اولی بکم من انفسکم قالوا بلی یا رسول الله) چون نمیتوانستند منکر بشوند در غیر اینصورت منکر قرآن میشدند و قرآن تصریح فرموده حالا که قبول کردید (من کنت مولاه فهذا علی مولاه) و بعد هم سلسله ائمه (ع).

● تشریح مسئله ولایت فقیه

خوب آن که مسئله روز ماست و باید این ملت شریف ایران مستعد به او باشند آنچیزیکه این کشور را حفظ کرده و ادامه میدهد به این جمهوری اسلامی و انشاه... میتواند این انقلاب و این جمهوری اسلامی را صادر بکند بکشورهای دیگر مسئله نقش ولایت فقیه است و این ۳ قسم ولایتی را که ما گفتیم نسبت به فقها آن قسم اول و دوم را ندارند یعنی فقهی هر چند فقهانش بالا باشد نمیتواند در احکام... تصرف بکند

چه سعادتمند و بلند اخترند آنانکه در طول زندگانی خود کمر همت به تهذیب نفس و جهاد اکبر ست و پایان زندگانی خویش را در راه هدف الهی با سرفرازی به خیل شهدای در راه حق پیوستند.

از پیام امام خمینی رضوانت آیة الله الشرفی اصفهانی



چیزی کم کند یا زیاد بکند فقیه بعد از اینکه مراجع میکند به مدارگی که در فقه بدست ماست که عبارتست از کتاب... و سنت پیغمبر و اخباریکه از پیغمبر اکرم رسیده و از ائمه معصومین و اجامات اینها احکامی را که در رسالهها برای مردم مینویسند چیز است که استنباط کرده و اینها از خودشان حق دخالت ندارند هیچ، اگر هم اختلافی بین فقهاست در فروعات در اثر این استنباطات فرقی میکنند در کیفیت استنباط و اما اصل احکامی را که اینها در رسالهها مینویسند چیز است که پس از زحمات زیاد از همین مدارک استنباط کردهاند فقط تفاوتش این است که فقهای اهل سنت با قیاس هم عمل میکنند و فقهای ما خیر.

ولایت فقیه از نوع ولایت به معنی اولی است

تشریح میکنند آنها را من در میان شما حجت قرار دادم یعنی شما در مقابل فرمان آنکسی که ما او را نماینده خودتان قرار دادیم، در مقابل مخالفت او شما عذری ندارید و فرموده به اینکه من آنها را حجت قرار دادم بر شما

علما و ارثان انبیاء هستند

این عبارت را باید که تجزیه و تحلیل کرد و آن این است که فرمود (فانهم حتی علیکم و آن حجت الله علیکم) و من حجت هستم بر شما، علما چه وظیفه دارند؟ بدون استثناء گفتند که (العلماء ورثة الانبیاء) یعنی چه؟ حضرت ابراهیم چه کرد؟ با یک دنیای بتپرست مبارزه کرد محکوم شد به اینکه در آتش بیاندازندش اما دست از کارش بر نداشت در مقابل یک دنیای بتپرست قسم خورد بذات اقدس، موفقیکه شما از شهر بیرون رفتید تمام بتها را من در هم میشکنم، حضرت موسی تک و تنها با یک عصا در مقابل فرعونیکه میگفت (اناریکم الاعلی) خدای بزرگ شما هستم به خود موسی میگفت به اینکه اگر غیر از من خدای دیگری را بخوای اتخاذ بکنی من تو را در زمان میاندازم موسی چه کار کرد؟ تنها گفت خدایا من در اثر آتشی که به زبان خودم گذاشتم درست نمیتوانم حرف بزنم شما برادر مرا هم با من شریک میکنی قرآن دارد به اینکه شما مستقیم باید بروی سراغ فرعون (اذها الی فرعون انه طغی) مستقیم باید بروی به سراغ فرعون

خوب پس فقها ولایت تشریحی ندارند ولایت تکوینی که تصرف در موجودات است باشد آنها هم ندارند آنی را که مورد بحث روز و مسئله روز است ولایت فقیه آن قسم سوم است همانیکه خداوند راجع به پیغمبر اکرم فرمود پیغمبر هم راجع به امیرالمؤمنین که تصرف در نفوس و اموال است و این مسئله ولایت فقیه و نقش آن در اسلام این ولایتی را که میگوئیم معنایش حکومت اسلامی است چیزیست که اول پیغمبر است بعد ائمه معصومین و در زمان غیبت گری امام عصر ارواحنا لعلفداء خود ائمه معصومین یعنی امام صادق و حضرت باقر و حضرت حجت (عج) اینها را بعهده فقهای جامع شرایط قرار دادند البته نه هر فقیهی، خودشان گفتند که شما از چه کسی پیروی بکنید و در زمانی که دسترسی بخود ائمه ندارید چه کسی از شما باید حکومت بکند و هر چه را که او حکم کرد حکم او حکم ماست و حکم پیغمبر است و در آن گناه بزرگ است و این بخشی است خیلی طولانی.

بهشت یا به جهنم (و جملناهم ائمه یهدون به امرنا لما صبروا) الان این آیه مسئله روز خودمان است.

تحقق وعده خداوند

و اکنون خداوند به یکی از وعدههای خودش وفا کرده (و نریدان نمن علی الذین...) آنها نیکه در دنیا مورد ستم و رنج و شکنجه واقع شدند ما آنها را امام قرار میدهیم و حاکم بر مردم آید پنج سال پیش آیا کسی فکر میکرد آقای خامنه‌ای رئیس جمهور مملکت شود این وعدههای خداست پس امام در اصطلاح قرآن کسی است که حاکم بر مردم است.



رهبری و مرجعیت

و دیگر مسئله، مسئله روز یعنی ولایت فقیه است الان امام به فتوای عده زیادی از بزرگان حوزه علمیه قم و شهرستانها امام را اعلی القوا و ارفعهم میدانند کبری اطمینان، آیت... مدنی، آیت... دستغیب و سده هم نظرم از اول روی امام بود و آیت... منتظری بعد از آیت... حکیم منحصر نظرش به خود امام بود، آیت... مشکینی و آقایانیکه فعلاً جزو شورای نگهبان هستند و مدرسین عالیترتبه قم پس از فوت آیت... حکیم تلگراف زدند به آیت... خصینی در نجف و ایشان را به مرجعیت معرفی کردند آنها نیکه میخواهند امام را تنها به عنوان رهبر معرفی بکنند و بگویند مرجع تقلید، دیگرست آنها یا نمی فهمند واقعا، یا از جای دیگر مسئله آب میخورند والا مسئله اعلمیت و افضلیت و اورعیت امام که خود برنامه زندگی این مرد

● امام امت کسی است که در تمام عمرش یک ترک اولی از او صادر نشده

● در زمان غیبت کسبری امام زمان، نظیر امام امت دیده نشده است.

● ولایت فقیه جزء شئون فقیه است.

● امروز اطاعت از امام حتی بر فقها هم لازم است.

● امروز خداوند به ما لطف کرده است و نه تنها یک رهبر، بلکه یک مجتهد جامع شرایط اعلم و افضه و اورع به ما عنایت کرده است

● آنها نیکه میخواهند امام را فقط رهبر معرفی کنند هم به انقلاب ضربه میزنند و همه اسلام.

● ویژگی های فقیه جامع شرایط

که حضرت صادق (ع) راجع به ویژگیهای مرجع تقلید بیان کرده (من کان من الفقهاء صائلاً لنفسه) کسیکه بتواند خودش را حفظ کند سازشکار نباشد خودش را نفروشد به دشمن (حافظاً للدينه) دین خدا را پاسدار باشد حافظ دین خدا باشد و لوتا سرحد جان (مخالفا لهواه) برهوی نفس خودش مسلط باشد (مطیع لامر مولاه) فرمود مردم باید از او تبعیت بکنند و آنوقت دنباله است که امام صادق میفرمایند همه فقها اینطور نیستند مردم باید حواسشان را جمع کنند ببینند چه کسی دارای این چهار ویژگی است خود امام صادق فرمود (و ذالک بعض الفقهاء شیعه) فقیه است و فقیه شیعه هم هست و لیکن دارای این ۴ صفت نیست و بعضی از محشین که در عروة الوثقی معروف حجاج محمود کاظم نقل کردهاند و آیت... حکیم میفرمایند که این اوصاف رهبر را دلالت میکند نه اوصاف تنها مرجع تقلید را، یعنی آنکسی میتواند مردم را رهبری بکند که دارای این ۴ صفت باشد اما راجع به امام باقر تا بعد که میخواهیم نتیجه گیری بکنیم که فرمود (انظر الی من کان منکم) نظر کنید به اینکه هر کدام از شما که احادیث ما را نقل میکنند (نظر فی حلالنا و حرامنا) اهل نظر و دقت باشند و (عرفه احکامنا) امام باقر فرمودند من او را در میان شما حاکم قرار میدهم و (و اذا حکم فالتیر صوابه) حکماً) شما باید او را بعنوان حاکم در اسلام بپذیرید بعد فرمود اگر هر آینه او حکمی کرد و شما رد کردید حکم او را، رد حکم او رد حکم ائمه است و رد حکم پیغمبر اسلام است و در حد شرک به خداوند متعال است و اما امام زمان (عج) از حضرت سئوال شد در زمان غیبت وظیفه مردم چیست بر حسب الهی وظیفهشان چیست؟ حضرت با این عبارت بسیار جالب (فاما الحوادث الواقعة) بتدریج شما وظیفه خودتان مسدود کنید (فارجموا فیها الی رواة احادیثنا) رجوع به اشخاصیکه میگویند قال رسول الله، قال الباقر، قال الصادق و اخبار ما را برای مردم

بزرگوار همه نشانگر این است که ایشان دارای ویژگیهایی هست که در خود روایات برای ما نقل کرده اند و کسیکه در تمام عمرش یک ترک اولی از او صادر نشده امام امت است راجع به علمای ما البته علمای عاملین و علمای ربانیون در هر کجا هستند اینها همه مورد احترام و تجلیل ما هستند، نسبت به آنها انتقاد را جایز نمی دانیم گناه بزرگ میدانیم ولیکن این گناه را بسارها گفتیم که دیگران راها امام نمیشود مقایسه کرد و ما آنچه که در تاریخ میخوانیم خیال نمیکنیم در زمان غیبت مانند امام امت، ما دیگر ندیده ایم کسی را و به رهبری ای که واقعا واجد شرایط باشد در زمان غیبت کبری امام زمان، امام امت نظیر ندارد و مردم متوجه باشند که این کلمه هم ضربه به انقلاب میزند و هم ضربه به اسلام میزند و ضربه به جمهوری اسلامی و هم به نفع دشمنان مخصوصاً آمریکاست و آنکه امام را بخواهند تنها بگویند رهبر است، و اما مسئله ولایت فقیه که جزو شئون فقیه است که آیه شریفه همین را هم میگوید این اولی الامر تنها ائمه نیستند فقهای جامع شرایط هم جزو این اولی الامرند که خداوند امر کرده است بسا اینست که باید از آنها اطاعت کرد، اطاعت کردن هم در امور دین و سیاست و در امور مملکت و در هر چه که او نظر بدهد، لذا امروز اطاعت امام حتی بر فقها هم لازم است یعنی امام اگر سرآینه حکمی کرد فقها هم نمیتوانند تخلف از آن بکنند برای اینکه در زمان خود پیغمبر اکرم وظیفه حضرت امیر چه بود؟ با اینکه پیغمبر در غدر خم فرمود (من کنت مولاه فهذا علی مولاه) لذا باید تبعیت بکنند از پیغمبر، خود حسین در زمان امیرالمؤمنین چه وظیفهای داشتند تبعیت از امیرالمؤمنین بسا اینکه پیغمبر در باره آنها فرمود (هما اماما) اینها هر دو امامند پیغمبر تصریح کرد به امامت این دو نفر لذا وظیفهشان تبعیت از پدرشان بود در زمان حضرت مجتبی حضرت امیر به سیدالشهداء دستور داد تا زمانیکه حکومت اسلام به دست برادرت است تو باید از برادرت تبعیت بکنی و گوش به حرفهایش بدهی پس حکومت در اسلام یکی بیشتر نیست امام بعدی وظیفهش این بود تا مادامیکه پدر هست تبعیت از او بکنند در این زمان هم حاکم امام است و امام سرآینه حکمی کرد وظیفه این است که دیگران باید تبعیت بکنند پس در مذهب ما یعنی شیعه حاکم باید یکی باشد و اگر او حکم کرد بر فقهای دیگر لازم است که تبعیت بکنند و امروز خداوند به ما لطف کرده که نه تنها یک رهبر، بلکه مجتهد جامع شرایط اعلم و افضه و اورع به ما عنایت کرده و وظیفه همه ما این است که باید از ایشان تبعیت بکنیم و مسأله ولایت فقیه هم معنی آن این است که اگر هر آینه ایشان امری کردند نظریه ای دادند راجع به اموال و نفوس مردم این ولایت را ایشان دارند یعنی همه فقهای جامع شرایط این ولایت را دارند و مردم هم باید از آنها تبعیت بکنند.

الله اکبر... والعزة لله ولرسوله وللمؤمنين

بسم الله الرحمن الرحيم
«بار الهاء، ملت مجاهد
ایران، از این وحشیگریها
هراسی بخود راه نمی دهند و
عزتی که برای تو و رسول تو
مؤمنین است، برای زندگی
عسارت چند روز از دست
نمی دهند.»

سختی درست تر گفته
باشیم، چرا که او همیشه
در حرب با شیطان و
شیطان صفتان بود و
هیچگاه از نبرد با دشمن
روی نداشت، همانگونه که
هرگز به نفس خود امان
نداد.

دمی از تلاش باز نایستاد،
تا دیدار حق را رخصت
یافت.
او خود می
گفت: زندگی ما طوری بود
که اگر بخوایم حالا عرض
کنم شاید کسی باور نکند به
اینکه ما با چه کیفیتی زندگی
می کردیم.

بیش از هشتاد سال در
راه خدمت حق راه پیمود و
پله های تعالی و تکامل را
پیکاپیک پشت سر نهاد و در
بسلندای ۸۰ سال تهذیب
مدام شهادت را پذیرا شد
و به شهید پیوست و عروج
خونینش او را تا آن سوی
ملکوت به پرواز خواند.

«از پیام امام خمینی
بمناسبت شهادت آیه الله
اشرفی اصفهانی»
- بار دیگر محراب در
خون عزیزی از امت اسلام
گلگون گشت، و در تلاطم
خون جاری قرنها، محراب
فریاد برآورد که الله اکبر
والعزة لله.

و باید که در پایان
حیاتی پر عزت و
شرافتمندانه، آغازی
بی پایان و چنین پر شکوه و
عزیز را به میهمانی نشیند.
آری الله اکبر والسزله الله
ولرسوله وللمؤمنین. شهید
محراب آیت الله اشرفی
اصفهانی سالهای سال در
میان محرومیت ها راه رشد
و تعالی را نشانه گرفت و

او به قدری تحت فشار
مادی قرار داشت که در
هر هفته فقط می توانست
یکبار «چای» بخورد، آری
هفته ای یک استکان چای
وهفته ای یکوعده غذای
گرم و بقیه اوقات هفته، به
نان و پیوسته
حلوا می گذشت. ایشان
حتی قادر نبود اتالی را
کرایه کند تا با خانواده

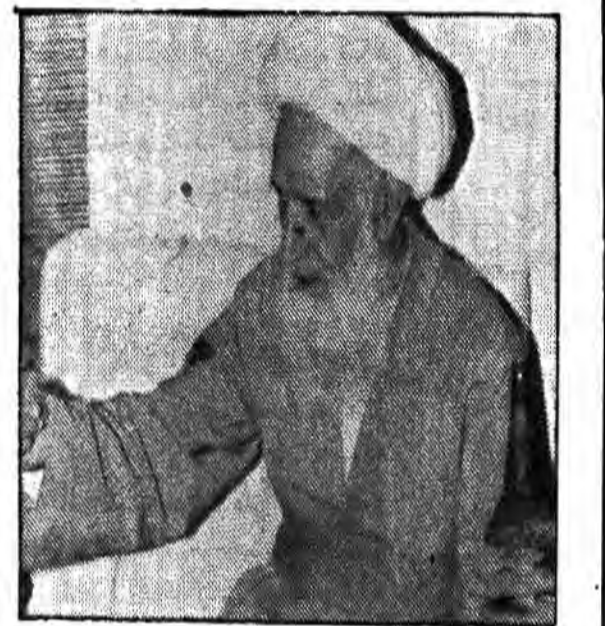
مرد حزب و پیکار با
طاغوتها در محراب، بار
دیرینش- که در سجده
برابر رب العززه همیشه در
آغوشش داشت، با خون
خوش بر جوش خون
مظلومان و پاکان تاریخ
افزود. اگر بگوئیم محراب
صحن حیات شهید عزیز
اشرفی را می ساخت شاید

اوبه قدری تحت فشار
مادی قرار داشت که در
هر هفته فقط می توانست
یکبار «چای» بخورد، آری
هفته ای یک استکان چای
وهفته ای یکوعده غذای
گرم و بقیه اوقات هفته، به
نان و پیوسته
حلوا می گذشت. ایشان
حتی قادر نبود اتالی را
کرایه کند تا با خانواده

عید مبارک غدیر
در خدمت شهید محراب

پای صحبت های پدران آیت الله
شهید اشرفی اصفهانی

در سالروز عید غدیر خم، برادران حزب جمهوری اسلامی باختران
به حضور حضرت آیه الله اشرفی اصفهانی رسیدند تا از بیانات
روحانی ایشان بهره مند گردند و قدر غدیر را از زبان ایشان دریابند
و راه غدیر را دنبال کنند.
پس از سخن مسئول حزب جمهوری اسلامی باختران، آیه الله
اشرفی اصفهانی رهنمودهایی به این شرح ارائه کردند:



- ما بدون وحدت نمیتوانیم جامعه اسلامی
و انقلاب اسلامی را به پیش ببریم.
● باید در همه حال همه باهم، منسجم و
یکپارچه تحت فرمان ولی فقیه باشیم.
● نظر امام وحدت کلیه نیروهای در خط
اسلام است.
● هر کس باید مسئولیتش را بعنوان فریضه
انجام دهد و خود را مقید به معیارها و
ارزشهای اسلام بکند.

همدیگر را پشتیبان باشید و خدای
تکرده اگر شیطان نمی در کار است
از خود دور کنید و در فکر اسلام و
هدف شهداء باشید تا حق تعالی و
خداوند متعال از همه راضی باشد و
وحدان انسانی ما در زندگی راحت
باشد.

کفر و آتانی که در خط باطل
قرار گرفته اند درصدد تخریب انقلاب
هستند، مسئله جنگ را در نظر داشته
باشید، انشائا... که باهمت
رزمندگان صدام و صدامیان
بزودی از بین خواهند رفت و حقانیت
جمهوری اسلامی بیش از پیش بر دنیا
ثابت شود.

رقم خورش نمیخوردند- ۲ تا
لباس روی هم دیگر در تمام
دوران عمرشان نپوشیدند- یک
عیا یک قبا، حتی اگر مثلاً لباده
هم بود ایشان نمی پوشید میگفت
۲ تا لباس را نمیشود روی هم
پوشید، بعضی ها این یکی را هم
ندارند اگر ۲ تا بپوشم اشکال
شرعی دارد. اینقدر ایشان مقید
این جهات بود اینقدر رعایت این
مسائل را میکرد- اکثر شبها
حتی شب قبل از شهادتشان نان
و پنیر خوردند، یعنی ایشان در
تمام دوران عمرشان کمتر من
سراغ دارم که شب غذای گرم
خورده باشند، خیلی هم کم

از خبرنگاران جمهوری
اسلامی در باختران و
اصفهان که در تهیه
ویژه نامه چهارمین شهید
محراب، دفتر مرکزی
روزنامه جمهوری اسلامی
را یاری داده اند،
سپاسگزاریم.

بیتی می کردند باید فکر
می کردند ولو برای صد سال
دیگر و دست به این اقدامات کور
نمی زدند.

س- خاطراتی که از ایشان
دارید، از وضع زندگی، از
روحیات و حالات معنوی و
برخورد با مردم برامان
بفرمائید؟

من خاطرات زیادی دارم- من
شاید در حدود ۱۵ الی ۱۶ سال
در حوزه علمیه قم در یک حجره
با ایشان زندگی میکردم-
بطوریکه گاهی لباسهای سرا
ایشان خودشان میشستند، برای
اینکه مادرم در اصفهان بود و من
هم خردسال بودم و دوره
ابتدایی را طی میکردم و در
حجره مدرسه فیضیه در خدمت
ایشان بودم و خدا میداند از نظر
بنیه مادی آنقدر این مرد در
فشار بود که گاهی ۲ ماه در قم
میمانند و نمیتوانست ۵ تا تک
تومانی برای خرجی مادرم به
اصفهان بفرستد اینقدر در
مضیق بود او گاهی از اوقات
برای یک ناهار مختصر که ۲
تومان خرج داشت درمی ماندند.
خاطراتی را که هرگز یادم
نمی رود اینست که ۲ روز بود که
ما پول نداشتیم ناهار تهیه کنیم
و ایشان هم خجالت میکشیدند
که من بروم جانی ۲ تومان قرض
کنم من دیدم پدرم ضعف دارد
من هم بچه بودم فدا باین نمیرسید
ناراحت بودم- ایشان هم احتیاج
به قلب داشتند وضعمان خیلی
بد بود هیچ نداشتیم یک دکانی
بود که گاهی از آن چیسز
میخریدم ایشان فرمودند بابا برو
جلو این دکان بایست وقتی که
ایستادی نگاه میکند بتو اگر
گفت چه می خواهی؟ بگو مقداری
قند و جای و نفت بسما بده و
پولش را فردا، پس فردا تهیه
میکنیم میدهم که من هم همین
کار را کردم رقم آنجا ایستادم
ایشان گفت که آقای اشرفی
چکار داری؟ گفتم جریبان
اینطوری است ایشان هم محبت
کرده مقداری قند، چای و سفاروی
وسپله بما داد که بعد از سه روز
که ما پولش را نتوانستیم تهیه
کنیم باو بدهیم این خاطره
هیچگاه از ذهنم نمیرود. ایشان
خیلی زندگی ساده ای داشتند ۲

آخرین کلام او «یا حسین» بود

- هر چه فرماندهان نظامی فریاد
می زدند، حاج آقا جلو نروید می فرمود
خون من که از خون این بچه ها بالاتر
نیست، شاید من هم شهادت در جبهه
ها نصیبم شود.
● از خمینی شهر تا اصفهان پیکر
ایشان حدود ۲۵ کیلومتر بر روی دوش
مردم حمل شد.
● ایشان روز بعد از فتح خرمشهر، در
مسجد جامع آن شهر نماز وحدت
خواندند.
● در طول زندگی یاد ندارم که
ایشان نماز شبشان ترک شود.

از نخستین شخصیتهایی بود که
وارد خونین شهر شد، ایشان روز
بعد از فتح در مسجد جامع آنجا
نماز وحدت خواندند. ایشان
چون نزدیک به جبهه های غرب
بودند- لاف اقل در ده هفته یک
بار به جبهه های غرب می رفتند-
دوروز در آنجا گاهی توقف
می کردند.

کنار سنگرها می نشست، پهلوی
بچه ها، نان خشک می خورد هر چه
فرماندها فریاد می زدند حاج آقا
جلو نروید این توپهای دوربرد
میزنند شما اسانت هستید.
می فرمود خون من که از خون
این بچه ها بالاتر نیست. شاید من
هم شهادت در جبهه ها نصیب
شود- شاید آن چیزی که شصت
ساله به دنبال او هستم به دنبال
آن گم شده هستم شاید
در جبهه ها پیدا کنم، واقعا آرزوی
شهادت می کرد. وقتی این
بچه های بسیجی و سپاهی
می آمدند با ایشان صحبت
می کردند می گفت: بچه ها شما
که به جبهه ها می روید دعا کنید
که خداوند شهادت را نصیب من
بکند واقعا عاشق شهادت بود.
س- شهادت ایشان
دروغیه مردم باختران
وسراسر کشور چه تأثیری
داشت؟

بقیه از صفحه ۳

خلای باشد که از او دروغی،
غیبتی، حرف خلافی اشهدا باه،
اشهدا باه که ما سراغ نداریم-
واقعا نمونه ساز از انسان
متعالی بود، یعنی در هر انسان
کاملی که باید صفات بارز یک
انسان کامل وجود داشته باشد
در وجود این مرد بود یعنی من
فکر میکنم آنچه که یک انسان
کامل باید داشته باشد ایشان از
آن جهت کم نداشت، و بسمای
یک انسان کامل را به تمام معنی
میتوان در آینه وجود او نگاه
کرد.

من به یاد ندارم که یک وقت
ایشان تشنه بشوند و به من
بگویند آب به من بده، اگر تشنه
می شد خودش می رفت
سریخچال آب بر سر می داشت
و می خورد- می گفتم که خوب
حاج آقا به ما بگوئید برایتان آب
بیاوریم، می فرمودند خودم این
کار را انجام می دهم. لباسهای
خیلی ساده می پوشیدند و خیلی
ساده و خیلی معمولی- گاهی
پیراهنش ۲ تا دکمه اش افتاده
بود مادرم مکررا اسرار می کرد
بگذارید این دکمه ها ایشان
رادوباره بدوزم می فرمود و لش
کن، این یک دکمه را بخواهید
بخرید بگذارید خودش یک
تومان خرج بپردارد بگذارید
بید که باشد، این قدر ایشان
احتیاط می کردند در زندگی
ساده ترین زندگی را ایشان
داشتند تمام زندگی که متعلق به
ایشان است اگر بخواهیم همه
را جمع کنیم شاید به ده هزار
تومان نرسد- این زندگی ایشان
بود

س- از توجه ایشان به
جبهه ها چه خاطراتی دارید؟
ایشان زیاد به جبهه ها
می رفتند و در عملیات فتح المبین
در آن هوای گرم و بسیار
طافش سراسر دهه دهه ایشان
خوزستان رفتند که حتی آقای
سرهنگ سیرازی با ایشان پیغام
دادند که شما بیاید، در این حال
ایشان حرکت کردند و رفتند
و چند روزی در آنجا بودند.
خونین شهر که فتح شد